

## Exclusion of women in urban areas

Reyhaneh Baazm<sup>\*</sup>, Khadijeh Safiri<sup>\*\*</sup>

Khalil Mirzaei<sup>\*\*\*</sup>, Abdolhosein Kalantari<sup>\*\*\*\*</sup>

### Abstract

This study investigated the social exclusion of women in urban areas. 29 women in Tehran between the ages of 20 and 45 were selected based on the purposeful sampling method and the collected information was coded using the grounded theory method and through the Maxqda software. According to the finding of this study, Women's social homelessness is caused by the patriarchal structure of the central phenomenon, as well as structural, contextual, and causal conditions. The strategy includes concepts such as the diminishing presence of women due to insecurity in the city, the crumbling of social relations due to social stigma, and the violation of privacy in women, and the consequences of this phenomenon such as harm.

**Keywords:** Social exclusion, Women, urban space.

\* Phd Student, Cultural Sociology, Science and Research branch, Islamic azad universe, Tehran, Iran, yekta.bzm1987@gmail.com

\*\* Professor Department of social sciences, Faculty Social Sciences & economics, Alzahra University, Tehran, Iran (Corresponding Author), kh.safiri@alzahra.ac.ir

\*\*\* Associate Professor, Islamic Azad University, Roodehen Branch, mirzaee\_khalil@riau.ac.ir

\*\*\*\* Associate Professor of Sociology, University of Tehran, Tehran, Iran, abkalantari@ut.ac.ir

Date received: 2021/08/24, Date of acceptance: 2021/12/17



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## طرد زنان در فضای شهری

ریحانه باعزم\*

خدیجه سفیری\*\*، خلیل میرزایی\*\*\*، عبدالحسین کلانتری\*\*\*\*

### چکیده

این پژوهش تلاش کرده است به مطالعه طرد اجتماعی زنان در فضای شهری بپردازد. ۲۹ نفر از زنان شهر تهران در فاصله سنی ۲۰ تا ۴۵ سال بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و اطلاعات گردآوری شده با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای و از طریق نرم افزار مکس کیو دی ای کدگذاری گردید. یافته‌های این پژوهش حاکی از این است که بی‌پناهی اجتماعی زنان ناشی از ساختار مردسالارانه پدیده مرکزی است و شرایط ساختاری، زمینه‌ای و علی در این پدیده دخیل بوده‌اند. استراتژی این امر شامل مقولاتی نظیر عدم حضور یا حضور کم‌رنگ زنان ناشی از حس ناامنی در شهر، کم‌رنگ شدن ارتباطات اجتماعی ناشی از داغ‌نگ اجتماعی و خودمراقبتی در زنان ناشی از شکسته شدن حریم زنانه گردیده است و پیامدهای این پدیده به مقولاتی نظیر آسیب دیدن زنان، بی‌تفاوتی و عادی‌انگاری و بروز احساسات ناخوشایند منتهی گردیده است.

**کلیدواژه‌ها:** طرد اجتماعی، زنان، فضای شهری.

\* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،  
yekta.bzm1987@gmail.com

\*\* استاد گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده  
مسئول)، kh.safiri@alzahra.ac.ir

\*\*\* دانشیار گروه علوم اجتماعی واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران،  
mirzaee\_khalil@riau.ac.ir

\*\*\*\* دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران، abkalantari@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۶



## ۱. مقدمه و بیان مسئله

با تحولات جهان زندگی بشر نیز تغییر یافت و به دنبال این امر الگوی سکونتگاه انسانی در سراسر جهان نیز تغییر یافت (جارویس، کاتور و کلارک، ۱۳۹۷: ۷۷ و ۷۸). این روند تغییر سکونتگاه و پیدایش شهرها نیز در ایران حادث گردید. بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ مشخص شد حدود ۷۴ درصد از جمعیت کشور ساکن شهرها هستند؛ به این معنا که در دوره‌ی ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ سالانه رقمی حدود ۰/۷ واحد به میزان شهرنشینی کشور اضافه شده است (محمودیانی، ۱۳۹۸: ۸۰). در جریان توسعه شهرنشینی، تقابل مابین ساختار سنتی حاکم و ساختار نظام شهری که به تدریج در حال پیچیده‌تر شدن بود؛ بروز یافت. به عبارتی شهرهای ایران از ساختار سنتی فاصله گرفت و وضعیت جدیدی ایجاد شد. امروزه عرصه‌ی نظام شهری در ایران و به خصوص شهر تهران با چالش‌هایی مواجه گردیده است؛ به طوری که جسم و روح شهر دچار آسیب شده است؛ «در این میان زنان به عنوان نیمی از جمعیت هر جامعه انسانی از امتیازات زندگی شهری بهره برده، و نیز از مسائل و مشکلات آن نیز بی‌بهره نماده‌اند» (احمدنیا و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۹).

فمنیست‌های شهری استدلال می‌کنند که حضور زنان در فضا تا حد زیادی با نقش‌های جنسیتی محدود می‌شود و جهت‌گیری سیاست شهری در مجرای نیازهای استفاده‌کنندگان مذکر است (پارکر، ۱۳۹۷: ۳۱۵). این در حالی است که اندیشه زنان در این جریان، تغییر و هویت جدیدی را بازنمایی می‌کنند. از همین رو زنان در مناسبات و شرایط جدیدی نظام شهری با چالش‌هایی مواجه گردیدند که می‌توان به مواردی اشاره کرد: زنان، حضور در فضای شهری را در شب مطالبه می‌کنند؛ این در حالی است که شب تبدیل به فضای بسته برای زنان گردیده است. مضافاً پرسه زدن در عرصه‌ی شهری برای زنان ناشایسته است و تنها هنگامی این امر باید صورت بگیرد که مقصدی تعیین گردد و مسائلی نظیر محدودیت دوچرخه‌سواری بانوان، آزادی حجاب بانوان در فضای عمومی، کوچک بودن فضای اختصاص داده شده به زنان در استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی ذکر کرد.

زنان علی‌رغم اینکه نیمی از استفاده‌کنندگان فضای عمومی به شمار می‌آیند؛ فقدان احساس رضایت از محیط و سازش نمودن با شرایط باعث می‌شود که فضای عمومی را ترک نمایند. در حالی که به واسطه‌ی وظایفی که دارند مجبور به حضور در فضای عمومی هستند و این دوگانگی برخورد منشا فشار روانی برای زنان ایجاد می‌کند و پیامد این امر

استرس‌های دائمی علاوه بر خانواده که هسته جامعه تلقی می‌شود به کل جامعه نیز تاثیر - گذار خواهد بود (کاظمی، حبیب و اسلامی، ۱۳۸۸: ۵۷۱). در همین راستا نتایج پژوهش مشارکت اجتماعی زنان توسط شادی طلب بیانگر این است که مشارکت مدنی زنان در سازمان‌های غیردولتی، گروه‌ها و احزاب سیاسی، تعاونی‌ها و سازمان‌های صنفی و کارگری کمتر از ۱/۵۴ است (شادی طلب، ۱۳۸۲: ۱۷۰).

درواقع لازم و ضروری است که نظام شهری فراگیر (همه‌پذیر) گردد. مسئله مهم این است که استفاده از فضای عمومی به زنان اجازه می‌دهد که شبکه‌های ارتباطی و مهارت‌های سیاسی خود را توسعه دهند و به اطلاعات و آموزش دسترسی یابند (ترلیندن، ۱۳۹۲، ۱۷۱). هم‌چنین حس تعلق نسبت به جامعه و پذیرش اجتماعی از سوی جامعه برای زنان ایجاد می‌گردد و سرانجام در این شرایط امکان دموکراسی پایدار در جامعه محقق می‌گردد. به عبارتی هنگامی این امر حاصل می‌گردد که کلیه گروه‌های اجتماعی در مقام شهروند تصور گردند. افزون بر این مکان‌مند بودن زنان در فضای شهری بر شأن اجتماعی زنان و تحقق یک هویت مستقل اثر بخش است. این امر احساس ارزشمند بودن به زنان می‌دهد و از تبدیل شدن زنان به عنصر تهی جلوگیری می‌کند. در کلیت حضور زنان در عرصه‌ی شهری، جامعه را در یک وضعیت مطلوب که منفعت همگانی و سعادت اجتماعی محقق گردد؛ قرار می‌دهد.

از سوی دیگر در گزارش توسعه انسانی تامین عدالت جنسیتی و رفع شکاف جنسیتی تنها راه افزایش تولیدات و بهبود نتایج توسعه برای نسل‌های آتی است. هم‌چنین عدالت جنسیتی با بهبود کیفیت زندگی زنان، بهبود نظام‌های رفاهی، کاهش خشونت نسبت به زنان و افزایش امید به زندگی مرتبط است (سیدان، ۱۳۹۷: ۳۶ و ۳۷). در همین راستا رویکرد موسوم به جنسیت و توسعه (GAD) نیز، زنان را به عنوان عاملان تغییر و نه دریافت کننده-ی کمک‌های مرتبط با برنامه‌های توسعه و به شرایط مادی زنان، از نظر آموزش دسترسی به اعتبار مالی، فن‌آوری، شرایط بهداشتی و وضعیت قانونی تاکید دارد (ترلیندن، ۱۳۹۲: ۴۱). پیوند وثیقی مابین توسعه‌ی پایدار و استفاده از ظرفیت‌مندی زنان به عنوان عنصری از جامعه وجود دارد. به عبارتی زنان بخشی از سرمایه‌ی انسانی جامعه تلقی می‌گردند که با ایزوله کردن زنان از عرصه‌ی شهری، پتانسیل بخش اعظمی از جامعه در وضعیت‌های متعدد از

دست می‌رود. هم‌چنین این امر زمینه‌ساز فزونی نابرابری اجتماعی جنسیتی می‌گردد که در نهایت جامعه از وضعیت اثربخشی اقتصادی دور می‌گردد.

جنسیت عامل طرد اجتماعی است و «زنان در بسیاری از اجتماعات کمتر از مردان در مکان‌های عمومی دیده و صدایشان شنیده می‌شود» (قادرزاده و خلقی، ۱۳۹۷: ۹). مسئله‌ی مورد توجه این است که فرودستی زنان و فرادستی مردان در نظام شهری، روابط سلطه را تقویت و بازنمایی می‌کند و در این شرایط افزون بر زنان گروه‌های اجتماعی ناتوان دیگر و بازیگران شهری ضعیف‌تر به طور فزاینده‌ای طرد می‌گردند و در نتیجه شکاف و شیارهای مابین گروه‌های اجتماعی قدرتمند و ضعیف ظهور می‌کند. هم‌چنین، خشونت و کمبود امنیت برای زنان ناشی از هژمونی مرد سالاری ایجاد می‌گردد. در همین راستا آزمون شناخت سوژگیو فضای شهری که مبتنی بر روایت‌ها و نظرات مردمی است که در شهر زندگی می‌کنند از تجربیات زنان ساکن بهره گرفته است (ترلیندن، ۱۳۹۲: ۱۵۵).

تجربه احساس ناامنی و ترس از مورد تجاوز و تهاجم واقع شدن یکی از جدی‌ترین مسائل زنان است و علیرغم اندیشیدن تدابیر امنیتی و حفاظتی برای شهروندان، به یکی از دغدغه‌های مشترک زنان در شهرهای مختلف جهان بدل شده است (اباذری، صادقی فسایی و حمیدی، ۱۳۸۷: ۷۶). نتایج پژوهش شکرپیگی و رادین در جامعه ایران نیز بیانگر این است که مکان‌هایی مانند معابر تاریک و فاقد نور کافی، مکان‌های خلوت، ساختمان‌های نیمه مخروبه و یا در حال ساخت، پل‌های هوایی به افزایش ناامنی منجر می‌شود. به ویژه این مکان‌ها در ساعات پایانی شب برای زنان ترس‌آور است. این ترس منجر به محدودیت‌های در تردد و رفت و آمد شهری می‌گردد (شکرپیگی و رادین، ۱۳۹۵: ۱۲۲).

با توجه به توضیحات مطرح شده؛ پژوهشگر در این پژوهش تلاش کرده است تا با تمرکز بر مکانیسم، عوامل، راهبردها و پیامد به مطالعه‌ی طرد اجتماعی زنان در فضای شهری پردازد و به سئوالات کلیدی نظیر: ادراک زنان از طرد اجتماعی زنان در فضای شهری چیست؟ عوامل طرد اجتماعی زنان در فضاهای شهری چیست؟ راهبردهایی که زنان برای مواجهه با طرد پی می‌گیرند چیست؟ و در نهایت پیامدها و آثار طرد اجتماعی زنان چیست؟ پاسخ دهد.

## ۲. مروری بر مطالعات گذشته

پژوهش دیگری با موضوع زنان و مقاومت در فضای شهری توسط اردی (۲۰۱۹) انجام گردید. در حالی که زنان همیشه بخشی از ساخت فضای شهری هستند، حضور آنها در شهرک‌های شهری اغلب غیرقابل مشاهده است زیرا مکان زنان در محیط خانه شخصی به نظر می‌رسد. این مقاله درصدد بررسی مقاومت زنان و مکانیسم‌های سیاسی در مناطق شهری حاشیه‌نشین با تمرکز بر سازماندهی زنان در دیکمن است. تمرکز بر زنان خواهد بود زیرا در زمان سازماندهی به عنوان یک قدرت پیش‌رو ظاهر می‌شوند که بسیاری از ساکنان را برای ملحق شدن به مقاومت در محله متقاعد می‌کردند. زنان به ویژه در شهرک‌های غیررسمی به طور فزاینده نقش اصلی را برای دفاع از همسایگی ایفا می‌کنند. این مقاله استدلال می‌کند که تجربه سازماندهی در این محله زنان را توانمند کرده است که بتوانند نظام سیاسی، ارزش‌های سستی و روابط جنسیتی را در زندگی روزمره زیر سؤال ببرند.

گونی (۲۰۱۴)، تحقیقی با موضوع جنسیت و فضای شهری انجام داد. فضاهای عمومی را می‌توان به عنوان مکان تعامل تعریف کرد جایی که مواجهه و مبادله‌ی اجتماعی گروهی‌هایی با علایق متفاوت هم‌گرا می‌گردد. فضاهای عمومی هم‌چنین در هویت جمعی جامعه نقش دارند همان‌طور که نمایانگر فرهنگ و ارزش‌های کاربران می‌باشند. روش‌های مختلف استفاده از فضاهای عمومی موضوع مطالعات رشته‌های مختلف بوده است: مردم‌شناسی، جغرافیا، جامعه‌شناسی، معماری و شهرسازی. در این مطالعه، استفاده از فضاهای عمومی مبتنی بر تفاوت‌های جنسیتی با استفاده از روش نحو فضایی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. روش تحقیق این نوشتار شامل تجزیه و تحلیل دیداری از مرکز شهر تاریخی و مشاهدات حرکت عابر پیاده در مناطق منتخب در این مرکز است. نتایج حاکی از آن است که کاربران مرد در همه زمان‌ها بر مرکز شهر مسلط می‌شوند در حالی که تراکم کاربران زن بسیار کمتر است و حتی از نوجوانان پایین‌تر است. با توجه به اینکه کاربران این شهر کوچک آناتولی اکثراً ساکنان آن هستند. این یافته نشان می‌دهد که برای تصمیم‌گیری در مورد انتخاب مسیر، عابران پیاده از دانش و تجربه قبلی مرکز شهر بیشتر از اطلاعات تصویری که از طریق هندسه فضا به آنها ارائه می‌شود؛ استفاده می‌کنند.

المحمود و همکاران (۲۰۱۷)، پژوهشی با عنوان «نقشه برداری از شهر جنسی: بررسی تأثیر اجتماعی - فرهنگی در تمرین پیاده روی و معنی پیاده روی در میان بزرگسالان جوان

سعودی در ریاض» انجام داده‌اند. پیاده‌روی شیوه‌ای برای درک شهری است که به سلامت و منافع اجتماعی نیز کمک می‌کند. (ریاض) یکی از شهرهای وابسته به اتومبیل و جدا شده از جنسیت است؛ جایی که در آن محدودیت‌های (فرهنگی-اجتماعی) استفاده و دسترسی مردان و زنان به فضاهای عمومی را تنظیم می‌کند. این نوشتار درصدد این است که تأثیرات اجتماعی-فرهنگی پیاده‌روی کردن و اثری که بر ادراک و بازتولید ارزش‌های و راهپیمایی در میان جوانان (ریاض) دارد. روش مورد استفاده ترکیبی از داده‌های ردیابی حرکت با استفاده از فناوری GPS و اتاق کار (ورکشاپ) مبتنی بر نقشه است. نتایج نقشه برداری گویای آن است که پیاده‌روی پاسخ‌دهندگان شهری تحت تأثیر جنسیت می‌باشد. محیط‌های داخلی، مانند مراکز خرید، به عنوان "پناهگاه شهری" برای زنان عمل می‌کنند؛ بنابراین آنها از چنین فضاهایی برای پیاده روی استفاده می‌کنند. ولی مردان جوان عمدتاً در خیابان‌های شهری قدم می‌زنند و فرصت‌های بیشتری برای تعامل جنسیتی فراهم می‌گردد. این مقاله نشان می‌دهد که چگونه تجربه راه رفتن، سرعت ریتم، احساس مکان و دامنه مکان‌های پیاده‌روی نه تنها با خصوصیات مکانی جهانی، بلکه تحت تأثیر تنظیمات فرهنگی و اجتماعی نیز تعیین می‌شوند.

اسپانیا (۲۰۱۴)، مقاله‌ای با عنوان «جنسیت و فضای شهری» تدوین کرد. دیدگاه جنسیتی شهرها نشان می‌دهد که چگونه ساختار فضایی و ساختار اجتماعی به صورت چندجانبه‌ای سازنده هستند. این مقاله به بررسی شیوه‌های منعکس شده و تقویت شده روابط جنسیتی در شهرها در ایالات متحده از اواخر قرن بیستم تا کنون پرداخته است. در ابتدا در مورد روش‌هایی که زنان در شهرهای صنعتی ایدئولوژی حوزه‌های جداگانه را به چالش می‌کشند؛ بحث می‌گردد (مدرسه و مکان کار). در بخش بعدی به بررسی اینکه چگونه این ساختار شهری فرصت‌های زنان را در خارج از خانه محدود می‌کند؛ می‌پردازد و هم‌چنین تغییرات در مفهوم جنسیت را بررسی می‌کند، زیرا آن را فراتر از دسته‌های مردانه و زنانه گسترش داد تا شامل لژیون‌ها، همجنسگرایان و افراد دوجنسیتی گردد. در نهایت این مقاله به بررسی اینکه چگونه جنبش‌های حقوقی زنان و همجنسگرایان، تفاهم‌ها و شیوه‌های برنامه‌ریزی، کلان شهر معاصر بی‌طرف را شکل داده است؛ توجه می‌کند.

پژوهش دیگری با عنوان «زنان به عنوان فضا / زنان در فضا: جابجایی بدن ما و بازنویسی جنسیت در فضا» توسط نخال (۲۰۱۵) صورت گرفت. در این مقاله فضاهای



شهری جنسیتی که تحت سیستم مردسالاری سرمایه‌داری شکل می‌گیرند؛ مورد بررسی قرار می‌گیرد. استانداردهای معماری، سلسله مراتب جنسیتی، نژادی و طبقاتی را بازآفرینی می‌کند. هم‌اکنون محصولات فرهنگی محلی ایده‌های خاص زنان به عنوان فضا را تقویت می‌کند. در پایان، این مقاله سعی دارد تا با جابجایی بدن ما و بازنویسی جنسیت در فضا، سلسله مراتب و دوگانگی را در هم بشکند.

تحقیق دیگری با موضوع رقابت فضای شهری در فس به وسیله‌ی نیوکومبا (۲۰۰۶) انجام گرفت. رویکرد بازیگر محور در خصوص جنسیت فضای شهری نشان می‌دهد که چگونه افراد به ایدئولوژی‌های رقیب در تعیین قوانینی که حضور زنان را در شهر احاطه کرده پاسخ می‌دهند. این مقاله به بررسی اینکه چگونه زنان در فس (مراکش) از مفاهیم سنتی مثل میهمان نوازی، خویشاوندی و شرم به بحث در مورد جنسیت چهار منطقه شهری: خیابان، کافه، باشگاه ورزشی بین‌المللی و فضای سایبر استفاده می‌کنند. تاکتیک‌های زنان برای اشغال فضای اجتماعی نشانگر تاب‌آوری فرهنگ محلی در برابر ایدئولوژی‌هایی است که تلاش می‌کنند تا دیدگاه خاصی از زنان در کشور مراکش ارائه دهند.

#### جمع‌بندی

این مقاله درصدد مطالعه طرد اجتماعی زنان در فضای شهری است. با این حال در تحقیقات صورت گرفته؛ از یک سو ابعاد طرد اجتماعی زنان به صورت جهان شمول مورد توجه قرار نگرفته است و از سوی دیگر مسئله طرد اجتماعی زنان در فضای شهری مغفول مانده است.

### ۳. چارچوب مفهومی

#### ۱.۳ هانری لوفور

«فضا نه سوژه و نه ابژه، بلکه واقعیتی اجتماعی، یعنی مجموعه‌ای از روابط و شکل-هاست» (ژلیتس، ۱۳۹۶: ۱۴۰). لوفور اعتقاد دارد که فضا را نمی‌توان به عنوان امری منفعل، خنثی و چیز عینی در نظر گرفت. فضا در خلأ وجود ندارد بلکه بخش از تاریخ جامعه است که در آن فرآیندها و کنش متقابل بین عرصه‌های مختلف وجود دارد. لذا کنش اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بر-در- و از طریق فضا انجام می‌گیرد و بالعکس. آنچه برای

وی اهمیت دارد در نظر گرفتن عنصر سیاسی فضا است به عبارتی آنچه ایدئولوژی برنامه-ریزی آن را تصعید یا انکار نموده است و تاکید دارد که فرم‌های فضایی به صورت سیاسی شکل بگیرند و در خدمت کارکردهای سیاسی صورت‌بندی گردند. به عبارتی می‌توان بیان کرد که فضا یک موضوع علمی فارغ از ایدئولوژی یا سیاست نیست. اگر فضا دارای یک خبر بی‌طرف و بی‌تفاوت نسبت به محتوایش است؛ بنابراین کاملاً صوری و در کل یک انتزاع عقلانی است؛ دقیقاً به این دلیل که اشغال شده و مورد استفاده قرار گرفته است و به صورت از قبل، کانون فرآیندهای گذشته بوده که ردپاهای آن همواره در چشم‌انداز آشکار نیست (همان، ۹۸).

تاکید لوفور به اهمیت فضا به عنوان یک ابزار سیاسی برای ایدئولوژی شهری است. به عقیده او فضا اهمیت اولیه به عنوان ابزار سیاسی برای دولت دارد. همان‌طور که طراحی فضا، ابزار سیاسی دولت است، سازمان و شکل فضا معرف قدرت آن است (آب‌نیک، ۱۳۹۱: ۵۵). سه شکل فضا از نظرگاه لوفور: ۱- کنش‌های فضایی (اقدامات هر روزه‌ای که روزمره را تشکیل می‌دهند) ۲- بازنمایی‌های فضا (دانش‌ها، تصاویر و گفتمان‌هایی که به فضا نظم می‌بخشند) ۳- فضاهای بازنمایی (که به صورت مادی تولید می‌شوند)؛ با ترسیم طرحی کلی میان شکل‌های فضا گفت و گویی را ایجاد کرد که هر سه این فضاها در تنش با یکدیگر باشند (هوبارد، ۱۳۹۶: ۱۷۹ و ۱۸۰). پرکتیس‌های فضایی، بازنمایی‌های فضا و فضاهای بازنمایی سه وجه تریالکتیک لوفوری را تشکیل می‌دهند که همواره در یک فرآیند دیالکتیکی همدیگر را به صورت ناقص رفع و حفظ می‌کنند.

- **کردار فضایی** بعد مادی فعالیت و تعامل اجتماعی را مشخص می‌نماید. صفت فضایی به معنای تمرکز بر جنبه‌ی فعالیت‌هاست. شبکه‌های تعامل و ارتباط روزمره که در روند تولید بروز می‌کنند؛ نمونه‌ای از کردارهای فضایی هستند.

- **بازنمایی فضایی**، فضایی را تعریف می‌کند که در سطح گفتمان قرار دارد. بازنمایی فضایی با توجه به ماهیت درونی‌شان در سطح گفتمان و کلام ظهور می‌یابند. به عقیده لوفور نقشه‌ها، طرح‌ها، اطلاعات، تصاویر و علامات را در زمره بازنمایی‌های فضا می‌داند.

- **فضاهای بازنمایی** که به بعد نمادین فضا می‌پردازد بر این اساس فضاهای بازنمایی راجع به خود فضاها نیستند بلکه به چیز دیگری اشاره دارند: قدرتی برتر، لوگوس

دولت، اصل مردانه یا زنانه و غیره. این بعد از تولید فضا دلالتی است که خود را به نماد مادی پیوند می‌دهد (رهبری، ۱۳۹۳: ۴۰ و ۴۱).

کردار فضایی به مثابه فضای زیسته و بدیهی انگاشته شده تولید و بازتولید روزمره نمایانگر امر واقعی است؛ بازنمایی‌های فضا به مثابه ایدئولوژی‌های مفهومی سلطه رشته‌ای و سیاسی - فنی بر فضا به امر نمادین ارجاع دارند و فضاهای بازنمایی به مثابه فضاهای تجربه شده و تخیل شده قابل توصیف تجربه وجودی سلطه، با امر تخیلی سروکار دارند؛ به این ترتیب می‌توان طرح لوفور را اشاره به پیوندهای ممکن میان سطوح هم‌زمان با هم موجود جامعه و تحلیل فضاها تفسیر کرد (گرونادنا و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۸).

لوفور برای تعریف بیشتر فرآیندهای اجتماعی - فضایی میان سه جنبه تولید فضا تمایز قائل می‌شود. ابتدا فضای محسوس به تولید جمعی واقعیت شهری اشاره می‌کند که به توسعه جامعه و بازتولید فضامندی منتهی می‌شود. سپس فضای درک شده با دانش، نشانه‌ها و کدها شکل می‌گیرد و فضای درک شده به بازنمایی‌های فضا به وسیله برنامه‌ریزان، معماران و سایر متخصصان اشاره می‌کند. گفتمان این متخصصان به سوی ارزش‌گذاری، کمی‌سازی و اداره فضا برای حمایت و مشروعیت‌بخشی به شیوه‌های عمل دولت و سرمایه‌گرایی دارد و در انتها لوفور درباره فضای زیسته (فضاهای بازنمایی) بیان می‌کند که کاربران فضا، فضای زیسته را به واسطه تصاویر و نمادها تجربه می‌کنند (همان، ۱۹۳ و ۱۹۴).

از سوی دیگر لوفور به حمایت از شهروندگرایی از منظر «حق به شهر» تاکید می‌کند (پارکر، ۱۳۹۷: ۳۸۷) و اظهار می‌کند که امروز حقی از انسان ستانده شده که تا پیش از این هویت اصلی‌اش را تشکیل می‌داد: حق به شهر. حق به شهر یک حقی عمومی و جمعی است و مستلزم آزادی تک تک انسان‌ها است (تقوایی، عزیزی و یزدانیان، ۱۳۹۴: ۸۹). این حق را می‌توان به عنوان مکانیزم دفاعی انسان شهری که دارای حقوق است و از کنش در شهر باز می‌ماند؛ تلقی کرد (همان، ۹۰).

از دید لوفور «حق سیتی» در سبتهای مدرن ضروری‌تر می‌شود، به نحوی که این حق خودش را به عنوان شکل ممتاز آشکار می‌کند: حق سیتی خودش را هم‌چون حق آزادی، حق فردی‌سازی در عین اجتماعی شدن، حق سکونتگاه، حق سکونت‌گزیدن ابراز می‌کند (ژلتیس، ۱۳۹۶: ۲۰۰).

در حقیقت حق به شهر یک ضرورت است و برای دستیابی به مطالبات شهری است (تقوایی، عزیزی و یزدانیان، ۱۳۹۴: ۹۶) و « برای تمام افراد جامعه وجود دارد چه شهروندان رسمی باشند و چه غریبه و چه غیر رسمی» (همان، ۹۱).

درواقع حق به شهر حق کسانی است که نادیده گرفته شده‌اند. سوژکتیویته‌هایی که در ساختار رسمی دولتی جا نمی‌شوند و خیل عظیمی از افراد بی‌خانمان، بیکار، زنان، کارگران و... را تشکیل می‌دهند. برخی منتقدان فمینیست در خصوص ایزوله شدن زنان در فضای عمومی مطرح می‌کنند که زنان در شهرها اعم از غربی و غیر غربی نمی‌توانند از فضای عمومی استفاده کنند و در بعضی از فرهنگ‌ها نمی‌توانند پرسه‌زنی کنند (مداح و روشنفکر، ۱۳۹۴: ۶۵). یک منتقد فمینیست دیگر، شلی باکینگهام بیان می‌کند که چون فضا یک برساخته‌ی اجتماعی است؛ ساختار خنثی ندارد بلکه جنسیتی است. به همین ترتیب حق زنان نسبت به این فضا ماهیتی جنسیتی داشته و متمایز از حق مردان است. او پیشنهاد می‌کند که مفهوم جنسیت در قالب ۵ حیطه از حق نسبت به شهر مورد توجه قرار گیرد: ۱- امنیت در شهر ۲- زیرساخت‌ها و حمل و نقل عمومی ۳- نزدیکی میان محل زندگی، خدمات و کار ۴- شکستن ثنویت میان حیطه‌های عمومی و خصوصی ۵- مشارکت در تصمیم‌گیری، حکمرانی و برنامه‌ریزی (همان، ۶۶). همچنین فنستر از دیدگاه فمینیستی به حق به شهر می‌نگرد و معتقد است که فضای عمومی همواره به عنوان فضای تاخت و تاز مردان سفید پوست طبقه متوسط است و این امر به مسئله‌ای برای بهره‌مندی سایر گروه‌های بدون قدرت از جمله زنان شده است. ویلیام وایت از سوی دیگر اظهار می‌کند که یکی از شاخص‌های موفقیت فضای عمومی نسبت بالای حضور زنان به مردان است (پورمحمدی، روستایی و خضرنژاد: ۱۳۹۸: ۲۰۲).

### ۲.۳ ادوارد سوچا

سوچا تحت تاثیر لوفور است و بر این باور است فضا مندی (فضایت) یک محصول اجتماعی است. به تعبیر وی فضا عنصر جدانشدنی ساخت مادی و ساختمان شدن زندگی اجتماعی است و این گویای آن است که نمی‌توان آن را جدا از جامعه و روابط اجتماعی ادراک کرد (داداشپور، هاشم، علیزاده، بهرام و رستمی، فرامرز، ۱۳۹۳: ۱۱۷). سوچا سه فضا را مبنا قرار می‌دهد؛ نخست فضای فیزیکی، دوم فضای ذهنی و سوم فضای اجتماعی. وی

فضای اجتماعی را فضای سوم می‌خوانند و این فضا را فضای جامع و بازنمایی زنده می‌دانند که از طریق آن امکان شناخت، تغییر و فهم همه فضا به صورت یکجا و هم‌زمان فراهم می‌گردد (گونوادنا و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۱).

سوجا فضا را به سه دسته لحاظ می‌کند: فضای محسوس (PERCEIVED) فضای ادارک شده (CONCEIVED) و فضای زیسته (LIVED)؛ به عقیده‌ی وی اندیشه مدرنیستی درباره فضا تنها دو نوع اول را شامل می‌شود. فضای اول یا محسوس، عناصر مادی را در بر می‌گیرد که می‌توان آن را نقشه‌برداری کرد. فضای دوم که در اشکال ذهنی و شناختی ساخته می‌شود و در قالب نظام نمادها و نشانه‌های فکری شفاهی و کتبی است که بازنمایی قدرت و ایدئولوژی در همین فضا حاکم است. فضای زیسته یا سوم که کردارهای اجتماعی و فضایی واقعی را شامل می‌شود. درحقیقت فضای زیسته از عینیت‌های فضای محسوس بهره‌برداری نمادین می‌کند و به سوی نظام‌های نشانه‌ای غیر کلامی سوق دارد (گونوادنا و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۱). فضای زیسته جهان زیست واقعی و خیالی تجربه‌ها، عواطف، رخدادهای انتخاب‌های سیاسی را شامل می‌شود. این فضا هم‌زمان واقعی و خیالی است و به آن فضاهای بازنمایی نیز می‌گویند. در فضای سوم همه‌چیز به هم می‌رسند، ذهنیت و عینیت، انتزاعی و غیر انتزاعی، واقعی و تخیل شده است (همان، ۳۲).

«از نظر سوجا، بی‌عدالتی نتیجه‌ی سازمان‌دهی سیاسی فضا است و به طور ذاتی از طریق نابرابری توزیعی که آن هم ناشی از تصمیم‌گیری‌های تبعیض‌آمیز افراد، واحدهای اقتصادی و سازمان‌هاست، به وجود می‌آید» (داداشپور، هاشم، علیزاده، بهرام و رستمی، فرامرزی، ۱۳۹۳: ۹۹). «در معنای گسترده‌تر، عدالت و بی‌عدالتی فضایی بر جنبه‌های جغرافیایی یا فضایی بی‌عدالتی تاکید دارد و بعنوان نقطه شروع، شامل توزیع منصفانه و برابر منافع و فرصت‌ها در فضای اجتماعی است» (قاسمی سیانی و حقی، ۱۳۹۵: ۲۴۷).

### ۳.۳ دیوید هاروی

هاروی از نظریه‌پردازانی است که برای درک مفهوم فضا به سوی حوزه اجتماعی حرکت کرد. او شهرگرایی را مجموعه‌ای از روابط اجتماعی می‌داند که در سراسر جامعه برقرار شده است. به عقیده‌ی او در شهرنشینی امروزی فضا دائماً تجدید ساخت پیدا می‌کند (آب- نیکی، ۱۳۹۱: ۵۱). به سخن دیگر به همان میزان که فرآیندهای اجتماعی فضایی هستند؛

اشکال فضایی نیز عناصری محسوب می‌شوند که فرآیندهای اجتماعی را در بر دارند. به این ترتیب رفتار اجتماعی متأثر از شکل جغرافیایی و سازمان فضایی شهر شکل می‌گیرد. وی اظهار می‌کند که مهم نیست که فرآیندهای اجتماعی یا شکل فضایی شهر کدام یک بر دیگری می‌چربد بلکه این مسئله مهم این است که هر دو در هم آمیخته‌اند (فاضلی، ۱۳۹۱: ۶۳). افزون بر این هاروی، فضا را ترکیب فضایی می‌داند که بیانگر فرآیند انباشت سرمایه است و نقش مهمی در بازتولید کار- قدرت و تداوم فرآیند انباشت سرمایه دارد (آب‌نیک‌ی، ۱۳۹۱: ۵۱). درحقیقت وی روابط پول، فضا و زمان را به عنوان منابع در هم تنیده قدرت اجتماعی می‌داند. زیرا که غلبه بر موانع فضایی مستلزم جابه‌جایی در فضا و صرف زمان است و قیمت زمان تنها در جریان کشف فضا میسر می‌شود. از سوی دیگر غلبه بر موانع فضایی مستلزم زمان و پول است. بدین ترتیب توان اثرگذاری بر تولید فضا ابزار مهمی در تقویت قدرت اجتماعی است و کسانی که بر فضا سیطره دارند این امکان را دارند که سیاست‌های مکان را در دست خود داشته باشند (حاتمی‌نژاد و شورچه، ۱۳۹۳: ۱۲۷).

هاروی در کتاب «عدالت اجتماعی و شهر» شهر را به مثابه محوری توصیف می‌کند که شیوه خاصی از تولید حول آن می‌چرخد و شهر سازمان می‌یابد. وی در کتاب «آگاهی و تجربه شهری» بر رابطه میان پول، زمان و فضا تمرکز می‌کند چرا که او اعتقاد دارد که با فاصله گرفتن از برخی جزئیات، چارچوب ارجاعی درون محصول شهری شدن را آشکار کنیم (پارکر، ۱۳۹۷: ۲۳۳). او استدلال می‌کند که تنها راه ایجاد عدالت اجتماعی در شهرها از طریق تبیین و اجرای برنامه‌های توسعه و توزیع عقلانی و منطقی ثروت است (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۱۹). در همین راستا او بیان می‌کند که برنامه‌ریزان شهری در ایجاد عدالت اجتماعی در شهرها بسیار تعیین‌کننده است، زیرا تصمیمات آن‌ها در تخصیص و توزیع درآمدها و خدمات در شهر تاثیر اساسی دارد (قاسمی سیانی و حقی، ۱۳۹۵: ۲۴۸).

#### ۴. روش تحقیق

مطالعه‌ی حاضر از جهان‌بینی و نظام فلسفی کیفی بهره‌جسته است و پژوهشگر از «نظریه‌ی زمینه‌ای» (Grounded theory) استفاده کرده است. چرا که با استفاده از این روش می‌توان به معاینه‌ی دقیق سطرها، عبارات و کلمات پرداخت. این مطالعه برای گردآوری اطلاعات از مصاحبه عمیق ساختارنیافته استفاده کرده است. پژوهشگر با ۲۹ نفر از زنان بین ۲۰ تا ۴۵

سال ساکن تهران و با تمرکز بر پارامترهایی نظیر سن، وضعیت تاهل، وضعیت اشتغال، سطح تحصیلات و محل زندگی در ارتباط با مسئله‌ی تحقیق مصاحبه کرده است تا اشباع نظری حاصل گردید که مشخصات آنان در جدول شماره ۱ ذکر گردیده است.

مشارکت‌کنندگان بر اساس منطق نمونه‌گیری غیر احتمالی هدفمند گزینش گردیدند. چرا که گردآوری اطلاعات مبتنی بر انتخاب افراد با ویژگی‌های لازم است. مصاحبه‌ها در این پژوهش گام به گام انجام گردیده و همزمان با گردآوری اولیه اطلاعات، تحلیل داده‌ها نیز صورت می‌گرفت و پژوهشگر برای کدگذاری داده‌ها از نرم‌افزار مکس کیو دا استفاده کرده است. محقق به تحلیل اطلاعات در سه سطح: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی اقدام کرده است. در فرآیند کدگذاری، پژوهشگر از داده‌های حاصل شده در طی فرآیند گردآوری اطلاعات به استخراج مفاهیم و مقوله‌ها پرداخته است و سپس اقدام به طبقه‌بندی و سازماندهی روابط شبکه‌ای مابین مقوله‌ها کرده است و در نهایت مقوله-ی مرکزی استخراج گردیده است.

جدول ۱: وضعیت سن، تأهل، سواد، اشتغال و محل سکونت مشارکت کنندگان

Table1: Status of age ,marriage, education employment and address of participants

کد	سن	وضعیت تاهل	سواد	شغل	محل سکونت	کد	سن	وضعیت تاهل	سواد	شغل	محل سکونت
۱	۳۸	متاهل	لیسانس حسابداری	خانه دار	شهرک بیمه	۱۶	۲۵	متاهل	فوق لیسانس حسابداری	حسابدار شرکت خصوصی	پاسداران
۲	۴۳	مجرد	لیسانس شیمی معدن	مدیر دفتر شرکت بازرگانی	انتهای هفده شهریور جنوبی	۱۷	۳۳	متاهل	لیسانس کامپیوتر	خانه دار	هفده شهریور
۳	۴۲	متاهل	لیسانس مدیریت فرهنگی	کارمند شهرداری تهران	دارآباد	۱۸	۴۳	مجرد	فوق لیسانس حسابداری	کارمند بانک تجارت	میدان جمهوری
۴	۴۱	مجرد	فوق لیسانس کارآفرینی	کارمند شهرداری تهران	بلوار فردوس غرب	۱۹	۳۰	متاهل	لیسانس ارتباطات	کارمند شهرداری تهران	نوبنیاد
۵	۲۹	متاهل	فوق لیسانس مدیریت	خانه دار	آزادگان	۲۰	۲۸	مجرد	فوق لیسانس مدیریت بازرگانی	بیکار	یوسف آباد
۶	۳۳	متاهل	لیسانس نرم افزار فوق لیسانس مدیریت بازرگانی	تحلیلگر سیستم بانکی	کوی گیشا	۲۱	۴۱	متاهل	فوق لیسانس جامعه شناسی	کارمند شهرداری تهران	مشیریه
۷	۳۲	مجرد	فوق لیسانس ارتباطات اجتماعی	خبرگزاری ایرنا	بهبخت آباد	۲۲	۳۵	مجرد	لیسانس شیمی	شرکت داروسازی	اکباتان



طرد زنان در فضای شهری (ریحانه باعزم و دیگران) ۶۱

		فوق لیسانس MBA									
فرجام	سالن زیبایی	لیسانس حسابداری	متأهل	۲۸	۲۳	پیروزی، نیرو هوایی	کارمند بانک	لیسانس حسابداری	متأهل	۴۲	۸
تهرانپارس	پژوهشگر	فوق لیسانس پژوهشگری علوم اجتماعی	مجرد	۳۴	۲۴	عباس آباد	تدریس زبان انگلیسی	لیسانس آموزش زبان انگلیسی	متأهل	۲۶	۹
عباس آباد	فریلنس، خبرنگار، نویسنده	لیسانس روزنامه نگاری	مجرد	۳۰	۲۵	پیروزی	کارمند شرکت مهندسی پزشکی	لیسانس تاریخ	مجرد	۳۶	۱۰
تهرانپارس	معلم دبستان	لیسانس برنامه ریزی شهری	مجرد	۲۵	۲۶	ستارخان	کارمند دانشگاه شریف	فوق لیسانس فناوری اطلاعات	متأهل	۳۶	۱۱
بلوار ابوذر	خانه دار	دیپلم	متأهل	۴۱	۲۷	سعادت آباد	خانه دار	فوق لیسانس مدیریت فرهنگی	متأهل	۴۲	۱۲
سبلان	منشی دندانپزشک	دیپلم	متأهل	۲۶	۲۸	فلکه دوم صادقیه	سازمان صنعت معدن تجارت	فوق لیسانس زبان و ادبیات عربی	متأهل	۳۳	۱۳
تهرانپارس	مدیر آموزشگاه موسیقی	فوق دیپلم مدارک پزشکی	متأهل	۳۷	۲۹	محله مهرآباد	کارمند شهرداری تهران	لیسانس مدیریت فرهنگی / مدیریتی بازرگانی	متأهل	۴۳	۱۴
						پیروزی	کارمند شهرداری تهران	دکتری مدیریت آموزشی	متأهل	۴۱	۱۵

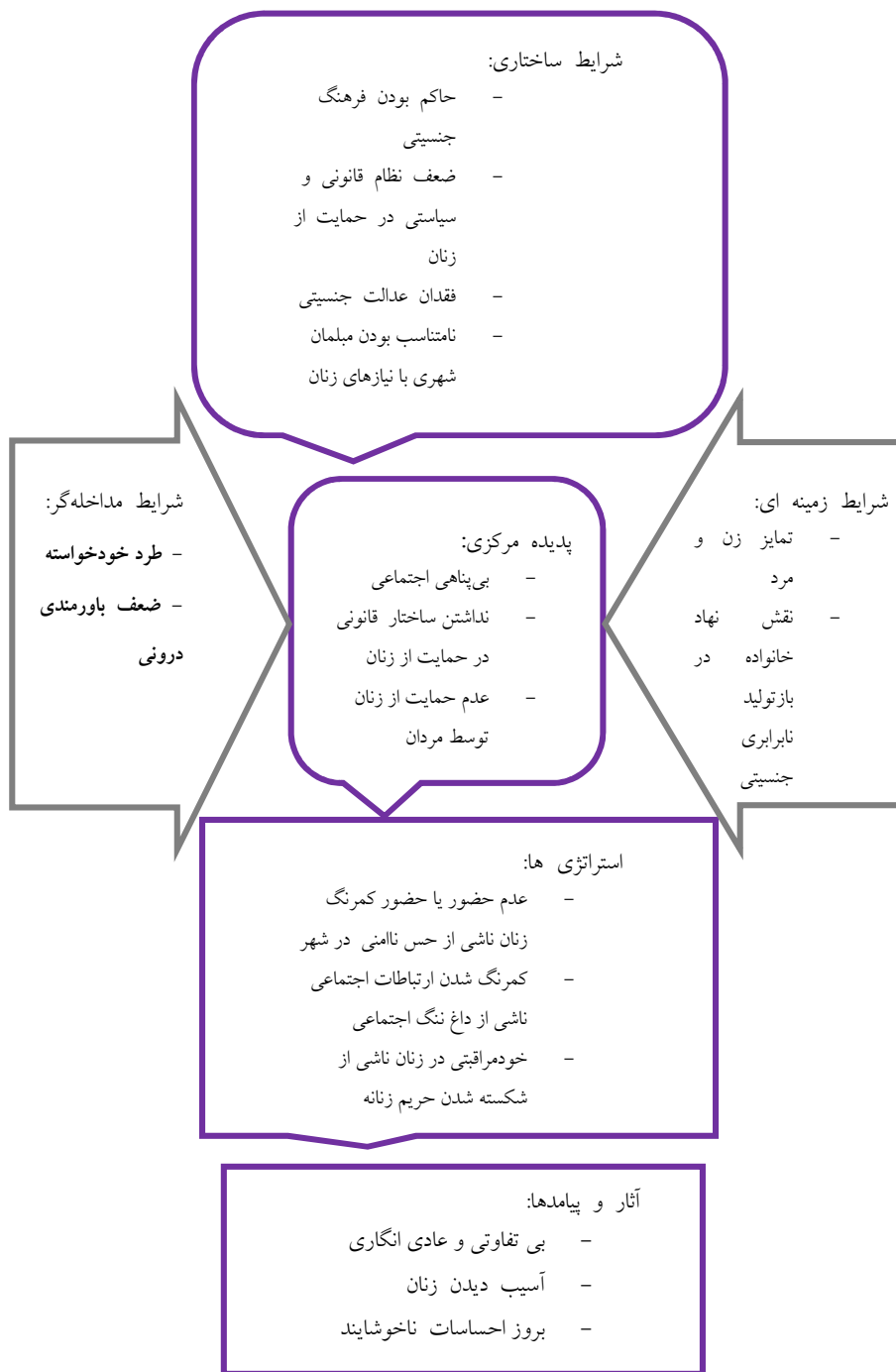
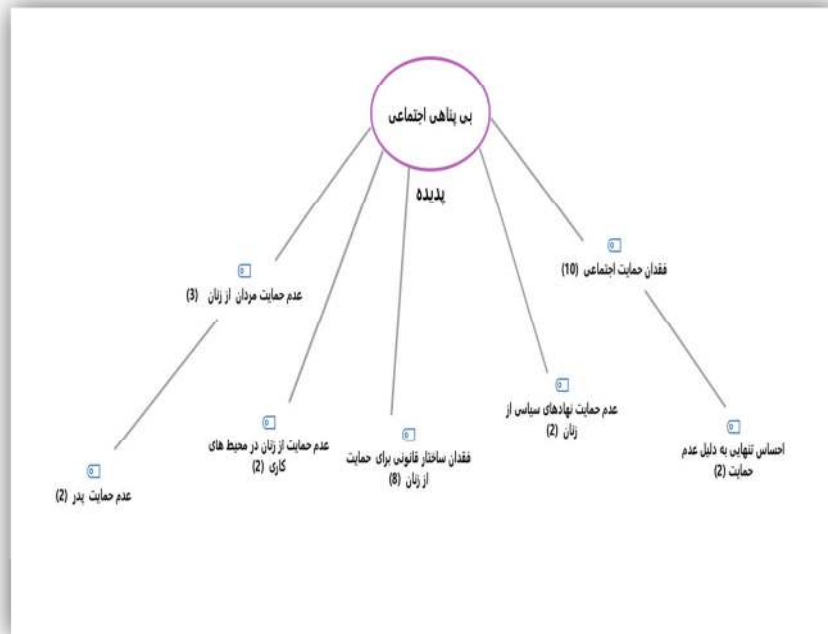


Figure1: Research paradigmic model

## ۵. یافته‌ها

### ۱.۵ پدیده مرکزی



#### - فقدان حمایت اجتماعی

مقوله فقدان حمایت اجتماعی بدین معناست که زنان در زندگی روزمره بدون داشتن حمایتگر در جامعه رها گردیدند. در واقع زنان در عرصه‌های مختلف فضاهای شهری در جامعه بدون حامی هستند و این عدم حمایتگری سبب بروز احساس تنهایی در زنان شده است.

کد ۲۴

مثلا این که بری به کسی بگی که مثلا این اتفاق افتاده حمایت نمیشی ولی حرف پشت سر آدم زیاد درمیاد یعنی مثلا همیشه بشنوی که پشت سر خانمها حرف میزنن که مثلا رفتارت این طوری بوده که باعث شده این اتفاق بیفته چون مثلا به تجربه ی دیگه ای خودم که داشتم این بود که قشنگ اومد به مثلا کتتش و شلوارش رو درست کنه با

آرنج با این قسمت دستش محکم کوبید توی پهلو من بعد یه جور خیلی ناجوری بود یعنی قشنگ قصدش رو متوجه شدم

- عدم حمایت نهادهای سیاسی از زنان

عدم حمایت نهادهای سیاسی از زنان بیانگر این است که با وجود نهادها و سازمان‌های فعال در خصوص امور بانوان، همچنان زنان در وضعیت استیصال قرار گرفته‌اند. در واقع این سازمان‌ها کارآمدی و کارکرد صحیح در راستای حمایتگری از زنان جامعه ندارند. لذا همین امر موجب فزونی مسائل و چالش‌های زنان در فضای شهری شده است.

کد ۱۴

مثلا یه بخشی داریم نمیدونم وزیر چی و مشاور امور زنان ولی واقعا شما خودتون یه خانمین دارین میبینین ما اتفاقی یعنی نمی بینیم برای خانمها بیفته و اینو بگیریم که مثلا این سیاست دولت بوده یا مثلا یه همچین چیزی مثلا الان شما این همه خانم مثلا حالا من میگم چون خیلی شاید در بطن ماجراهایی که مثلا خانمهای سرپرست خانواده بد سرپرست یا مثلا حالا تو همین در واقع وضعیت وجود داره نمیدونم واقعا ولی آن چه که اون برآیندی که من ازشون دریافتم و دیدم این بوده که حمایتی صورت نمیگیره

- فقدان ساختار قانونی برای حمایت از زنان

عدم حمایتگری قانونی و فقدان حمایت از سوی نهادهای سیاسی متمم همدیگر هستند. یکی از بزرگترین چالش‌های زنان این است که ساختار قانونی از آنان حمایت نمی‌کند و این امر موجب فزونی مشکلات زنان در فضای شهری شده است. در واقع عدم حمایت قانون از زنان در حوزه‌های مختلف نظیر اشتغال و ازدواج سبب شده است که ناخودآگاه تفکر ذهنی مردان در مسیر عاملیت آزادانه و زنان را در موضع طرد قرار داده است.

کد ۲۴

اول از قانون شروع میشه آیا وقتی که به یه زن تعرض میشه قانون ازش حمایت میکنه؟ من نوعی آگه بهم تعرض بشه میتونم برم دادگاه از اون طرف شکایت کنم؟ راه برای من بازه؟ آیا به شکایت من رسیدگی میشه؟ یا این که نه آگه من این کار رو بکنم اون قانون از من حمایت نمیکنه از من پشتیبانی نمیکنه»

دقیقا همون ناامنیه است دقیقا ببینید و انقدر الوات در جامعه ما خدا رو شکر زیاده یارو با موتور رد میشه میتونه یه بلایی سرت بیاره و هیچ قانونی نیست جلوش رو بگیره بعد این که اتفاق افتاد این قانون به چه دردی میخوه برای شما یه اتفاقی میفته یارو رد میشه با چاقو برات ایجاد مزاحمت میکنه چهار تا تیکه بهت چهار تا حرف نامربوط بهت میگه با روح و روانت بازی میکنه یا حتی هر چیز دیگه ای تو یک کوچه ای جایی جای خلوت گیрт میارن بهت تعرض میکنن و زیاد هم هست یعنی این مورد خیلی زیاد شده

#### - عدم حمایت از زنان در محیط‌های کاری

پرواضح است که شغل بیانگر هویت افراد در جامعه است و برخی زنان نیز به عنوان اعضای جامعه به اشتغال می‌پردازند. زنان نیز در بستر شغلی نیازمند حمایت دارند و لازم است که مجال پیشرفت و ترقی برای آنان فراهم گردد. با این وجود در برخی موارد این امکان فراهم نشده است. از سوی دیگر در بستر شغلی زنان نیازمند امنیت هستند و این امنیت خود نوعی حمایتگری تلقی می‌گردد ولی این امر در برخی موارد نادیده گرفته می‌شد.

حالا مثلا بعضا خانمها این تصور رو دارن که ما استحقاقش رو داریم ولی سیستم بهمون مجال نداده سیستم همراهیمون نکرده ممکنه باشه ببینید خانمها انقدر مسئولیت های زندگیشون بالاست مسئولیت فرزند ، همسر ، خانواده شاید نتونه اون ذهن خودش رو انقدر فارغ بکنه انقدر آزاد بکنه که مثل یه آقایی که بی دغدغه تا ساعت ده شب نه شب میتونه توی سیستم بدوئه بیاد بره یه خانم میاد سر کار باید گوش به زنگ گوشیش هم باشه که الان اگه بچه ام خدای نکرده مسئله ای بود جواب بدم الان اگه مادرم زنگ زد جواب بدم الان اگه همسرم زنگ زد جواب بدم حواسم باشه اتفاقی اونور نیفته ولی یه آقا وقتی از سیستم میاد از خونه میاد بیرون دیگه ذهنش آرامش و آسایش داره میگه یک نفر توی منزل خانم یا مثلا انقدر هم دیگه خودش رو درگیر اون مسئولیت نمیکنه اگر هم مسئول خانمش هم شاغل باشه خانم داره پیگیری میکنه و رصد میکنه

کد ۹

من در شرکت چینی که کار میکردم اتفاقا این حس نبود اصلا و از ما توقع داشتن که ما بریم توی بازارهایی که چون کارشون به جورایی کار درواقع وارد کردن پیچ و مهره و آهن آلات بود توقع داشتن از ما که من بودم و یه دختر دیگه که اونم سنش هم سن من بود تقریبا که ما بریم تو بازارای آهن تهران و دنبال مشتری بگردیم بعد ما بهشون میگفتیم که اینجا ایرانه تو اصلا دختر بره تو اون بازار معلوم نیست بیاد بیرون یا نه دیگه بعد براشون اصلا قابل درک نبود

- عدم حمایت مردان از زنان

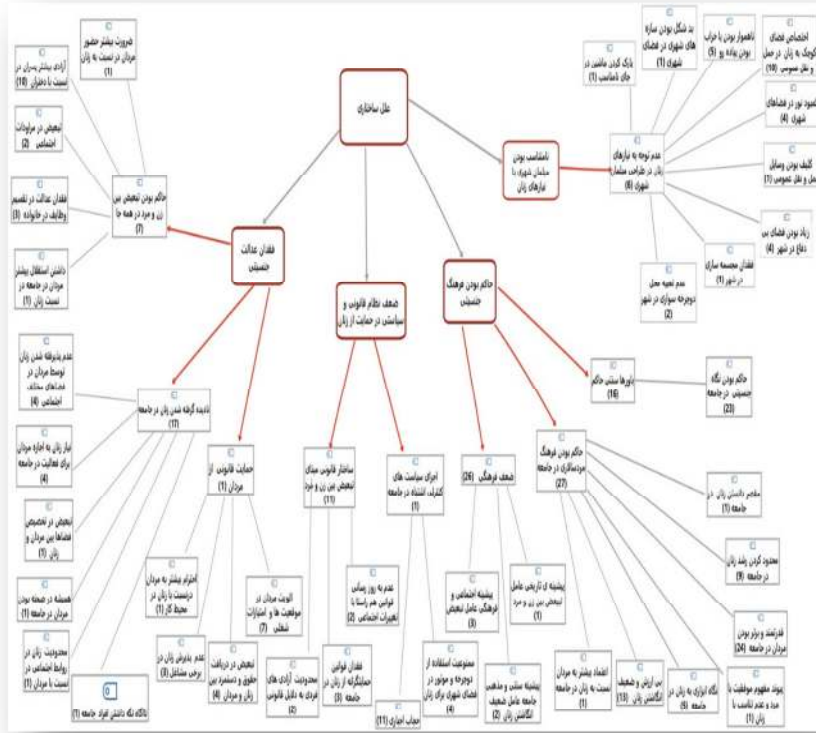
عدم حمایت مردان از زنان است. حاکی از فقدان حمایت مردان از زنان در فضاهای مختلف شهری است. مردان در مقابل چالش‌های زنان صبورانه عمل نمی‌کنند. این امر (فقدان حمایتگری) از سوی پدر نیز برای دختران صورت گرفته است. لذا این امر به نوعی عدم حمایتگری زنان را دوچندان گردانیده است.

کد ۴

متأسفانه آقایون ما هم آقایون صبوری نیستن دیگه و حامی نیستن مثلا اگه شما میبینید. اصلا اگه ببینن حتی الان شما نگاه کنین میبینین که یه خانمی نشسته تو ماشینی که علامت اینو داره که این ماشین آموزش چیزه آموزشگاهه و من دیدم خودمم این اتفاق برام افتاده که اون خانم خب داره آموزش میبینه خیلی کند داره میره من صبوری کردم پشتش وایسادم یا حتی خانمهای دیگه رو دیدم دقت میکنم که هیچ خانمی معمولا بوق نمیزنه یا دری وری نمیکه ولی یه آقا از همون اول دستش رو میداره خیلی لطف کنه هر دو سه چهار ثانیه یه بار که بکش کنار

کد ۱۰ «حتی گاهی شاید پدر خودم هم نتونه پشتم وایسه و توضیحش برایش توضیح یه سری شرایط برای پدرم سخت باشه آره به شدت حس بی پناهی شاید بکنی و این حسه شاید خیلی جاها با من هست»

## ۲.۵ شرایط ساختاری پدیده



- نامتناسب بودن مبلمان شهری با نیازهای زنان

زنان نیمی از جامعه را تشکیل داده‌اند. با این وجود نسبت به نیازهای که در شهر دارند؛ پاسخی صحیح دریافت نکرده‌اند. در واقع اصول شهرسازی در سطح شهر عملیاتی نگردیده است و همین امر سبب اختلال در کنش برای زنان در فضاهای شهری گردیده است. کمبود روشنایی، زیاد بودن فضاهای بی‌دفاع در شهر، اختصاص فضاهای کوچک به زنان در حمل و نقل، ناهموار بودن پیاده‌روها از جمله مواردی هستند که عاملیت زنان در فضای شهری را با بن بست روبرو کرده است.

#### کد ۵

من خب مادرمم خودش ضایعه نخاعیه ویلچر داره سوار ویلچر میشه و اینا مامان رو که میبریم بیرون که اصلا همون دقیقا مثل کالسکه است دیگه اون کلا ما همه جا یا باید از توی خیابون بریم یعنی یه جایی که واقعا امن هم نیست باید از گوشه خیابون بریم چون پیاده روها یا چه میدونم پل نداره

#### کد ۷

اگر بخوایم بگیم نصف جامعه خانمه و نصف جامعه دیگه آقا خب طبیعتا مثلا برای مترو باید نصفش نصف واگنها برای خانمها باشه نصفش واسه آقایون باشه ولی آیا اینطور هست نه حداکثر سه واگن از ده واگن خب آیا واسه اتوبوس اینجوری هست نه یک سوم از اتوبوس و یک سوم از بی آر تی اتوبوس که نه اتوبوس راحتتر میتونن بشینن تاکسی ها متأسفانه تاکسی ها مثل اتوبوس بی آر تی ها یا متروها تقسیم بندی ندارن

#### - حاکم بودن فرهنگ جنسیتی

حلقه‌های کلیدی فرهنگ جنسیتی شامل باروهای سنتی، فرهنگ مردسالاری و ضعف فرهنگی است. فرهنگ جنسیتی گویای ارزش‌های سنتی خصمانه حاکم در فضای جامعه است که سبب نابرابری و تبعیض بین زن و مرد و شکل‌بندی باروهای تحقیرآمیز به زنان و سلطه‌جویی مردان گردیده است. در واقع طلسم فرهنگی جاری در جامعه سبب گردیده که حدود و ثغور نامرئی برای زنان تعیین شود و زنان همواره به عنوان اولویت دوم در بسترهای مختلف تعریف گردند. همین امر عامل از دست رفتن مسیر زندگی شورمندان و کنش‌های مترقی جویانه برای زنان شده است.

کد ۱۱ «ریشه در این داره که مثلا زن باید تو خونه باشه زیاد ضرورتی نمیدونن که زن درآمد داشته باشه تو جامعه باشه حالا که هست پس اینا دارن بهش لطف میکنن حالا همین اندازه که هست»

کد ۸ «ما اعتقادمون باورمون فرهنگمون اینه که مرد نان آورده خانمها مازاد دارن کمک ، کمک خرجن ولی مرد واقعا باید خرج زندگی رو بده»

کد ۲۴ «پیشینه ی تاریخی مون هم حالا تا حدودی بله دیگه زنها تو اندرونی ، زنها تو اندرونی ، بله میتونه



- ضعف نظام قانونی و سیاستی در حمایت از زنان

قوانین جامعه توسط مردان تدوین شده است. همین امر موجب مغفول ماندن حقوق اجتماعی زنان شده است چرا که قوانین با محوریت مردان تنظیم شده است. مسئله‌ی دیگر این است که قوانین هم‌راستا با تغییرات اجتماعی جرح و تعدیل نشده‌اند و با وضعیت موجود در جامعه فاصله دارد. در واقع قوانین جاری در جامعه موجب اجرای سیاست‌های کنترلی اشتباه گردیده است که در صدد است تا مردم در قالب و قواره مشخص به عاملیت پردازند. ماهیت این قوانین به تامین امنیت، صیانت و آزادی زنان پاسخ نداده است. لذا طرد اجتماعی زنان در جامعه پدیدار شده است.

کد ۱۴

پست‌های مدیریتی به خب معمولاً آقایون این پست‌ها رو اشغال میکنن خیلی کم پیش میاد که حالا خانمها تو رده های، شما میتونید از بالاخره خود در واقع اون ساختار سیاسی کشور هم متوجه این موضوع باشیم که همین خب تسری پیدا کرده به زیرمجموعه هایی که به هر حال حالا به مقدار محلی تر دارن کار میکنن و بومی تر هستن

کد ۴

سیاست‌های کنترلی اشتباهیه که گذاشتن به نظر من یعنی به زور در واقع میشه گفتش که حاکمیت میخواد که مثلاً مردم تو این قواره باشن یعنی اعمال سلیقه است به نظرم به جورایی نشانه‌های دیکتاتوریه دیگه چون همه چی به نظر من به طیفه مثلاً حجاب یک طیفه این نیست

کد ۲۷

چون حرف تازه ای هم ندارن بهمون بگن میدونی مثل این قانونی می مونه که نوشتن چند صد سال پیش الان دنیا داره به به روند دیگه ای میره ما مثل به جریده موندیم این وسط اصلاً همیشه جوونها رو نگه داشت خیلی سخت میشه من واقعا وقتی که دخترم گفت مامان چرا نباید از پشت موهام رو بذارم بیرون از جلو که میداشت مثل مثلاً شما خودمم میذارم این جور نیست ولی از پشت هیچوقت دوست نداشتم نه خودم بذارم نه اون دوست داره بذاره گفت مامان همین همین این جور حالا این جور برو لزومی نداره حتما این رو بکنی تو این اینجوری باشه یا چادر سرت ولی دیگه همه ی

حجم موت این به تیکه نباشه تو اینجا ولی آخر سر تونستم حریفش بشم چون حرف قانع کننده ای نداشتم

- فقدان عدالت جنسیتی

درواقع عدالت جنسیتی به تبعیض‌های جاری و حاکم بین زن و مرد در جامعه که موجب طرد و نادیده گرفته شدن زنان در فضای شهری اشاره دارد. شکاف جنسیتی حاکم در جامعه مسائلی نظیر اولویت داشتن مردان در موقعیت‌ها و امتیازات شغلی، تبعیض در دریافت حقوق در کار، عدم پذیرش زنان در برخی مشاغل، تبعیض در تخصیص فضا بین زن و مرد و محدودیت زنان در مراودات اجتماعی بیان می‌کند. لذا از یک طرف این موارد منجر به انحلال کنشگری زنان در رده‌های تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی گردیده و از سوی دیگر هویت مستقل زنان از دست رفته و هویت زنان به مردان الحاق گردید.

کد ۷

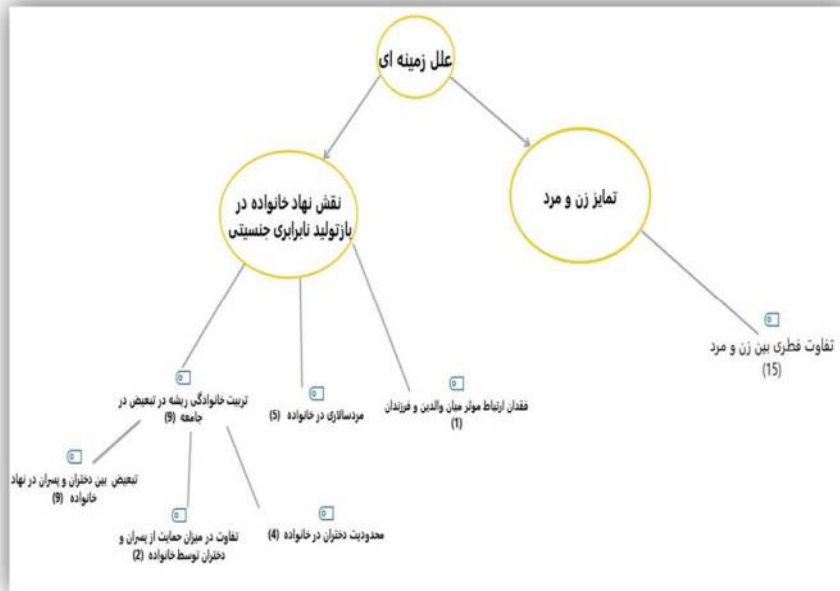
خیلی زیاد این جمله رو شنیدم حیف که دختری حیف که خانمی وگرنه مثلا نه خانم رو مثلا سفر نمیریم اگر آقا بودی این امتیاز شامل حالت میشد اگر آقا بودی میتونستی از این فرصت استفاده کنی آره از این جملات خیلی زیاد استفاده دیدم و این نشون میده که اصلا این جنسیت من هست که باعث میشه من به یک فرصتی دست پیدا نکنم.

کد ۲

ببینید ما به این فکر میکنیم که ببینید مثلا اینا به کلام نمیداد یعنی مثلا پیش نمیداد مدیر تو بیاد به تو بگه چون تو یک خانم هستی این مدلی ولی شما تو سطح کار قشنگ متوجه میشی وقتی دارن نیرو میگیرن حالا مثال دارم میگم همکار من داره کار فروش انجام میده مدیر من مثال دارم میگم داره بهش پایه حقوق میده شما همین کارو به یه آقا پیشنهاد بدی این کارو انجام نمیده

کد ۲۷ «خونه ی بابات میری میخوای بری اجازه ی شوهرت باشه شوهرت باید راضی باشه خب اون سیاستمدار اون زن همسن و سال منن دیگه قطعا»

### ۳.۵ شرایط زمینه‌ای پدیده



#### - تمایز زن و مرد

تمایز فطری بین زن و مرد گویای این است که ضمیر باطن زن با مرد متفاوت است و همین امر تمایز در کنشگری بین زن و مرد در عرصه عمومی را موجب شده است. در واقع زنان در مواردی نظیر کنشگری در سیاست و رانندگی در فضای شهری با مردان متفاوت هستند.

#### کد ۸

بین مردانه میدانم که واقعا به جاهاییش با روحیه من زن سازگار نیست نه من واقعا این چیزایی رو نمیتونم بپذیرم ببین من خودم به شخصه به وقتایی در حد خیلی تجربی در حد خیلی نه آکادمیک و اینجور چیزا بحث سیاسی میکنم واقعا بهم میریزم خودم دارم میگم واقعا بهم میریزم بعد میبینم کشش ندارم به خاطر همین من خودم به شخصه چون از دید خودم منظر خودم دارم نگاه میکنم.

کد ۱۵

خداوند در ساختار و سرشت روحی و شخصیتی به زن عطوفت رو گذاشته مهربانی رو گذاشته گذشت رو گذاشته نمیدونم یک سری مهارت های نرم رو گذاشته که تو برخی از پست های مدیریتی داشتن اینها اون قدرت تصمیم گیری و قاطعیت رو از شما میگیره و میگن مثلا این مثلا کرنش نشون میده حالا نمیدونم شاید مواجهه شده باشین برخی از خانمها برای این که بجنگن با این لیبل هایی که میخورن مثلا میگن

- نقش نهاد خانواده در بازتولید نابرابری جنسیتی

نهاد خانواده نقش حیاتی در عدم طرد اجتماعی زنان ایفا می‌کند. در واقع این نقش در مواردی نظیر فقدان ارتباط موثر بین والدین و فرزندان، مردسالاری در خانواده و تربیت خانوادگی ارائه شده است. خلاها و مشکلات موجود در این موارد در نهاد خانواده به جامعه نیز تسری پیدا کرده است. در واقع این امر به نوعی پاشنه آشیل مسائل و مشکلات زنان در جامعه است.

کد ۱۰

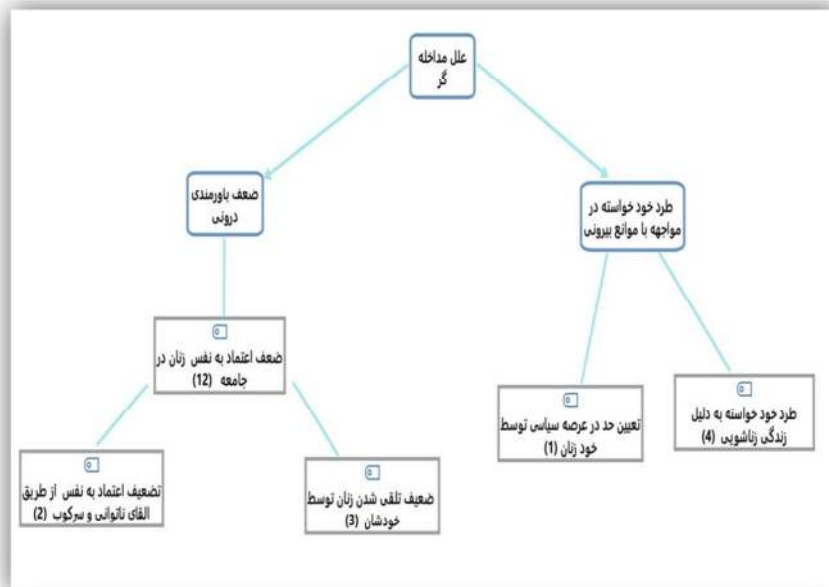
بین میدونی ما به فرهنگی داریم من مثلا شخصا خودمو میگم وقتی که من از بچگی نمیتونم با پدرم دوست باشم و با حجم ، پدر من یک جنس مخالفه دیگه وقتی نمیتونم باهاش دوست باشم و بهش اعتماد کنم و خیلی از اتفاقاتی که دور و برم میفته بهش به سادگی بگم و یا حتی برای مادرم تعریف بکنم و فکر میکنم نکنه من الان مثلا من بگم آقای فلانی به من داره به اصطلاح تعرض میکنه به هر دلیلی با نگاهش اصلا آرام میده جنس نگاهش یه جوریه که حالمو بد میکنه وقتی نمیتونم اینو توضیح بدم و ترس اینو دارم نکنه من قضاوت بشم شاید تو کاری کردی شاید تو رفتاری داری با این که بچه خودشونه و من رو میشناسن خب به خاطر اون غلط بودن ریشه ی یه همچین فرهنگی که سخته مقابلشم وایسادن و تغییر دانش انکار متأسفانه تو جامعه ما الان شده شبیه جنگیدن تغییرش نتونستن بدن فقط دارن باهاش میجنگن

کد ۱۱

آره تربیت خانوادگی دیگه الان میدونی هر جور بخوایم راجبه این طور تبعیض ها صحبت کنیم باز میرسیم به همون محدوده ای که نظام مردسالاری مردها رو این طوری تربیت کرده و بهشون این اجازه رو داده که این طوری باشین.

آگه همون خانواده هم در نظربگیری بیشتر میشه خب مردا تو خانواده انگار نظرشون مؤثرتره مثلا حالا راجبه یه مسئله ای نظر اصلی انگار آقایون میدن دیگه حالا درسته مثلا خانمها هم شاید یه نظرشون رو بگن ولی در نهایت احساس میکنم حالا اون نتیجه ای که میخواد اجرا بشه بیشتر نظر آقایونه

#### ۴.۵ شرایط علی پدیده



- طرد خودخواسته در مواجهه با موانع بیرونی

طرد خود خواسته بدین معناست که اولویت زنان عاملیت در فضای شهری تعریف نشده است. همین امر موجب کناره گیری از برخی بسترهای شهری شده است. در واقع زنان خود خواسته به طرد از فضاهای مختلف شهری اقدام می کنند. به عبارتی سوژه خود را در موضع طرد قرار می دهد. فزونی طرد اجتماعی زنان از خلال این عامل سبب می گردد.

کد ۲۱ «به خاطر این که اولویتشون همیشه زندگیشون شاید تو فضای شهری، طرد خودخواسته میشن میدونید شاید این کلمه ی طرد خودخواسته از سر اجبار نباشه از سر همون چهارچوبیه که ریشه در خیلی چیزها داره»

کد ۶

میگفتش که کارمندای خانم خیلی خوبن تا زمانی که ازدواج نمیکنن موقعی که ازدواج هم میکنن بازم بد نیستن ولی مثلا شصت هفتاد درصد میشه ازشون استفاده کرد ولی موقعی که بچه دار میشن زیر پنجاه درصد میشه از یه خانم توی محیط کار انتظار داشت چون تمام دغدغه ذهنیش دیگه میشه اون بچه اش و همینا باعث میشه که توی سیستم بانکی خیلی این قضیه بولد پیدا میکنه

- ضعف باورمندی درونی

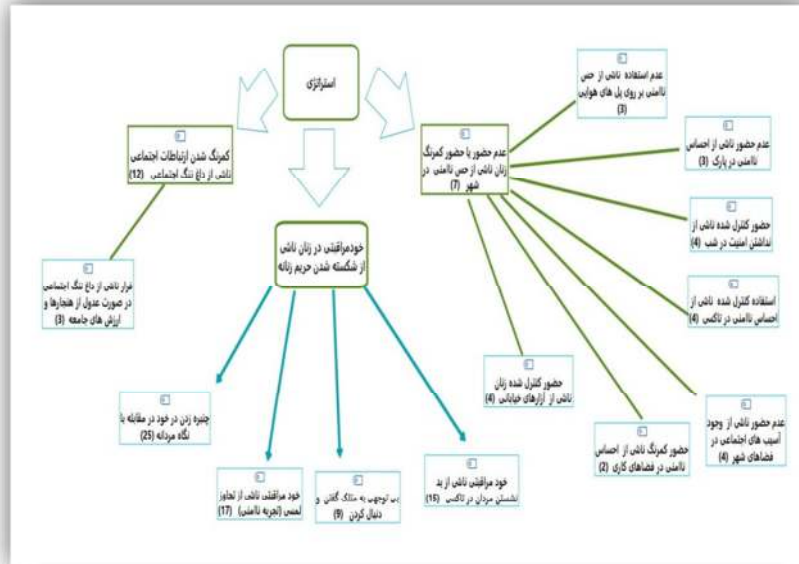
ضعف اعتماد به نفس زنان بیانگر این است که اعتماد به نفس زنان ضعیف است. به عبارتی خوداظهاری زنان در جامعه کم‌رنگ است. نگرش زنان نسبت به خودشان به صورت موجودی ضعیف و ناتوان است. به عبارتی زنان خودشان نادیده گرفته‌اند. لذا همین امر موجب کنارگیری زنان از فضای شهری شده است. از عامل کلیدی در ضعف باورمندی زنان نسبت به خودشان، القای ناتوانی و سرکوب است. به عبارتی مردان با سرکوب زنان در مصادیقی نظیر رانندگی کردن خودباورمندی زنان را کم‌رنگ کرده‌اند.

کد ۲

اعتماد به نفس. به نظر من این قسمت عمده شه بین اعتماد به نفس که نداری تو همه امورات تو چیزای دیگه دچار مشکل میشی دیگه اعتماد به نفس نداری کارم نمیتونی راحت به دست بیاری مثلا مدام انگار خودت رو سرکوب میکنی بین مثلا مشکلات اقتصادی جامعه ما این واقعا بیشتر دامن زده یعنی تو آینده ممکنه ما دخترایی داشته باشیم که با مشکلات خیلی زیادی روبرو بشن.

کد ۱۶ «اعتماد به نفس به شدت پایینه و کسایی که اصلا میتونن به خودشون اجازه بدن که برن به سمت شغلی مهمی رو بگیرن خیلی کمن و حالا اون آدمه جرأتش رو داشته باشه»

## ۵.۵ استراتژی پدیده



### - عدم حضور یا حضور کم‌رنگ ناشی از حس ناامنی در شهر

حقوق اولیه شهروندان در جامعه داشتن امنیت در فضای شهری است. با این وجود این امر برای زنان از دست رفته است. چرا که آسیب‌های اجتماعی در مناطق مختلف شهر تهران جاری است و به نظر می‌رسد زنان در فضاهای مختلف شهری نظیر تاکسی، پارک، فضاهای کاری، پل‌های هوایی احساس امنیت نمی‌کنند. بدین ترتیب مواجهه زنان در فضاهای مختلف شهری حضور کم‌رنگ یا عدم حضور در فضاهای شهری است.

کد ۹

بین آخه یکی این که اولاً محیط ما چون مسکونی نیست من محل زندگی من ساعت شش و هفت که همیشه در واقع اداره‌ها تعطیل میشن کوجه ما همیشه بیخشید عین مرده خونه قشنگ یا روز جمعه انقدر خلوت انقدر خلوت که سرتم بزنی تو خیابون هیشکی نیست بیاد بگه کی بود اصلاً چی بود خب خلوته واقعا و ناامنه و ترسناکه و از بچگی من همیشه مامانم میگفت از تو پیاده رو نرو از تو خیابون سعی کن بری از تو پیاده رو یهو یکی درو وا میکنه میکشتت

کد ۲۱

مثلا به جاهایی واقعا ترجیح میدم که حتما به تپسی بگیرم یا با آژانس برم یا ، انگار اون حس این که خودم برم تو به مسیری و گم بشم تو اون مسیر و اونجا امن نباشه در من انگار همیشه وجود داره در صورتی که نباید باشه دیگه شاید تو به جاهایی کنجکاوانه و تفریحی رفتن حس خوبی اصلا بده برای پیدا کردن به آدرسی ولی من هیچوقت نمیتونم این کنجکاوی و تفریح رو تو برنامه ام بذارم ترجیح میدم برم برسیم اگه خواستم این رو داشته باشم تو برگشت مثلا تفریح کنم

- خودمراقبتی در زنان ناشی از شکسته شدن حریم زنان

زنان در مواجهه با شکسته شدن حریم زنان در قالب‌هایی نظیر بد نشستن مردان در تاکسی، متلک گویی، تجاوزلمسی و نگاه مردانه اقدام به خودمراقبتی می‌کنند. درواقع حریم شخصی زنان در فضاهای مختلف شهری به واسطه‌ی این کنش‌های مردان دچار خدشه می‌گردد. لذا همین مسائل موجب ناامنی زنان در فضای شهری شده است.

کد ۲۲

حالا سعی میکنم معمولا یا جلو بشینم میگم من همیشه سعی میکنم خودم قبل از وقوع اتفاق در نظر بگیرم که ممکنه من اگر توی تاکسی عقب نشستم قراره دو تا کنارم آقا بیاد ممکنه هر اتفاقی بیفته اون کسی که کنارم میشینه رو شناختی راجبش ندارم پس معمولا یا جلو میشینم یا این که عقب هم بشینم دو نفر حساب میکنم که کسی کنارم نشینه

کد ۹

بهت خیلی نگاه میکنن یعنی من دائم باید تو پنجره سیاه زل بزنم که این سنگینی نگاه اینا از رو من برداشته بشه من حق ندارم توی واگن رو نگاه کنم چون هر جا رو نگاه میکنم با یکی چشم تو چشم میشم

- کمرنگ شدن ارتباطات ناشی از داغ ننگ اجتماعی

کمرنگ شدن ارتباطات اجتماعی ناشی از داغ ننگ اجتماعی گویای آن است که در صورت عدول از هنجارها و ارزش‌های جامعه، زنان در مرادوات اجتماعی مورد قضاوت قرار می‌گیرند. به عبارتی ذهنیت منفی در مورد مرادوات اجتماعی زنان با مردان در فضاهای مختلف شهری جریان دارد. بدین ترتیب که با بی‌رمق شدن این ارزش‌ها در نظام رفتاری



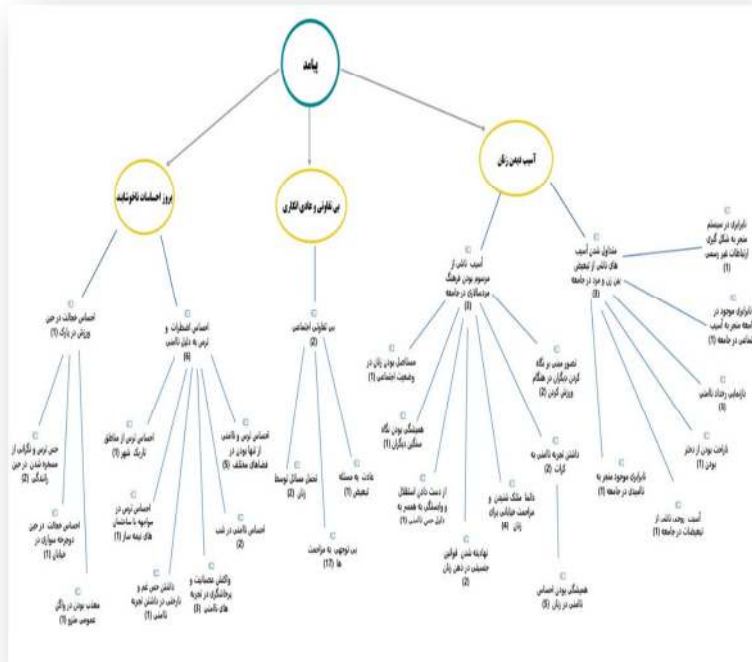
زنان سبب برجسب خوردن از سوی جامعه شده است. در واقع این امر (مراودات اجتماعی) برای زنان با حواشی همراه است و ضرورت دارد عاملیت آنان بر مبنای پارادایم فرهنگی سنتی جامعه صورت پذیرد.

کد ۴

ببینید این اینجوریه که ببینید مثلا میگم الان شما مثلا فکر کنید تو یه شرایطی هستین یه آدم به نامی رو تو یه جایی میشناسین خب یه آقا بره وایسه باهش حرف بزنه یا ساعتها بره تو یه فضایی مثلا باهش صحبت کنه شاید هیچ حرف و حدیثی درنیاد از اون قضیه ولی یه خانم من همیشه نگران اینم که ای بابا مثلا الان من برم مثلا بشینم بخوام با ایشون صحبت کنم یا ایشون رو مثلا بخوام خواهش کنم که بیاد مثلا تو دفتر من هزارتا مثلا این مراودات اجتماعی که میگم ایناست ها هزار تا مثلا مراقبت باید بکنم که حرف و حدیثی مثلا بوجود نیاد کسی ذهنیتی ایجاد نشه ناخودآگاه به خاطر جنسیتمون این تبعیضه خیلی هست

کد ۱۵ «به خاطر این که نظام فرهنگی سنتی جامعه‌ی ایرانی یک سری انتظارات از خانم داره و قاعدتا اگر متناسب با اون هنجارها پیش نره اون لیبله خورده میشه»

۶.۵ آثار و پیامد پدیده



- بروز احساسات ناخوشایند

به نظر می‌رسد بروز احساسات ناخوشایند بیانگر بروز احساسات مختلف زنان در سطوح و شرایط مختلف فضای شهری است. در واقع بروز احساسات ناخوشایند حاکی از چالش‌ها و مشکلات زنان در فضای شهری است که در قالب احساسات ناخوشایند جلوه‌گر گردیده است. این امر (بروز احساسات ناخوشایند) از یک سو احساسات نظیر خجالت و نگرانی را در فضای شهری شامل می‌گردد و از سوی دیگر احساس ناامنی، پرخاشگری و ترس زنان در فضاهایی نظیر مواجهه با ساختمان‌های نیمه‌ساز و مناطق تاریک شهر است.

کد ۲۶

من هر وقت که یه ساختمون نیمه ساز میبینم خیلی تن و بدنم میلرزه چون دیرستانی بودم داشتم میرفتم باشگاه ، باشگاه ما هم همین جانه تو این کوچه است یه ساختمون نیمه ساز بود سر همین اتوبانه یعنی جایی نیست که دید نباشه فکر کنم یه خانمی سوار

تا کسی شده بود چی بود نمیدونم پسره به زور از ماشین پیاده اش کرد و کشون کشون  
عربده میزد هیشکی هم محل نمیکرد

کد ۲۶ «خیلی دلم میخواد پارک ورزش کنم ولی اون خجالتیه هست نمتونم»  
کد ۲ «آره ترس از چیز خب حالا میگم گواهینامه دارم ولی مثلا ترس از این که نکنه  
نتونم یه جا مثلا ترمز کنم بزنم به یکی نکنه مثلا مسخرم کنن بگن عه این بلد نیست  
رانندگی کنه».

- بی تفاوتی و عادی‌انگاری

مقوله بی تفاوتی اجتماعی گویای آن است که چالش‌های متعدد حاکم در زندگی  
زنان نظیر تبعیض، متلک‌گویی و مزاحمت‌ها سبب گردیده که زنان نسبت به امور  
جاری بی تفاوت گردند. به سخن دیگر زنان عنصر پویا نسبت به جریان‌های  
اجتماعی و خصوصی خویش نیستند. در واقع زنان با مسائل فضای شهری سازگار  
اجتماعی ایجاد کرده‌اند. به عبارتی این امر برای زنان عادی گردیده است. در نهایت این امر  
سبب فرسودگی روحی زنان در فضای شهر گردیده است.

کد ۵

اصلا دیگه عادی شده آدم واسش آره داشتم میگم با این که من بعضی وقتها خودم به  
خودم میگم با این که مثلا من با چادر میرفتم با چادر مثلا پیاده روی میکردم از محل  
کارم مثلا یه نیم ساعت پیاده میومدم از خود میدون ولی عصر تا چهارراه ولی عصر رو مثلا  
من پیاده میومدم بعد میگفتم بابا من که با چادر بودم مثلا چیزی معلوم نبود که مثلا  
کسی بخواد تیکه بندازه یا چیزی ولی بازم داشتم تیکه مینداختن

کد ۶

بین چرا ولی خب برام خیلی مهم نبوده میدونی نه این که مثلا بگم نداشتم چرا بوده  
ولی خب برام مهم نبوده اهمیت نداشته میدونی این قضیه متأسفانه چیزی نیستش که  
مثلا بگی که هیچ خانمی تو ایران درگیرش نباشه چرا بوده ولی خب مثلا یه نفر مثلا  
حساس میشه یادش میمونه تو ذهنش میشینه نه برای من اصلا مهم نیستش فقط به نظر  
من یه آدم احمق ممکنه

کد ۹ «احساس میکنم دخترا برای این که بخوان به یه جایی برسن حاضرن یه سری چیزها رو تحمل کنن».

#### - آسیب دیدن زنان

به نظر می‌رسد آسیب دیدن زنان زاده تبعیض بین زن و مرد و از طرف دیگر فرهنگ مردسالاری در تمامی لایه‌های فضای شهری متدوال و مرسوم گردیده است. زنان به عنوان شهروندان جامعه با آسیب‌های متعددی مواجه هستند. این آسیب به صورت‌های مختلفی نظیر مستاصل بودن زنان، از دست دادن استقلال و از سوی دیگر شکل‌گیری ارتباطات غیررسمی، ناامیدی در جامعه و بازنمایی رخداد ناامنی نمایش داده می‌شود. لذا آسیب دیدن زنان بن‌مایه بسیاری از آسیب‌ها و چالش‌ها در جامعه می‌گردد. در واقع در ضمیر جامعه وضعیت زنان ناپسند است و همواره تلاش شده است که در حاشیه قرار گیرند.

#### کد ۴

ولی توی سازمانها یه وقتایی میشنوم که خانمها دارن از ارتباطات غیر رسمی استفاده میکنن وقتی شما توی سازمان تلاش میکنی برای این که اون جایگاهی که میدونی حفته به دست بیاری و از روشهای رسمی نمیتونی بهش برسی خیلی از همکاری که من این حرفها رو راجبشون میشنوم میبینم که آدم واقعا قابلیه آدم باسوادیه آدم مثلا با تجربه ایه ولی انقدر دیگه این سیستم نابرابره و این سیستم سیستمه در واقع عاقلی نیست ناچار متوسل شده به روشهای غیر رسمی مثلا ارتباطی پیدا کرده مثلا به آدمی که میتونه مثلا تصمیم گیر باشه که بتونه مثلا از اون امکان استفاده کنه برای یه پوئن خب این ایجاد آسیب میکنه دیگه

کد ۱۸ «این قانون وجود داره پیرو اون یه سری دیگه انگار مردم هم فکر میکنن که آره نهادهینه براشون میشه که حق با آقایونه جاهای دیگه هم سعی میکنن که حق رو به آقایون بدن»

کد ۲۷ «به نظر من یه چیزی در حد له و لورده است ظاهر قشنگه ها ولی باطن نداره هیچ باطنی نداره وقتی تو وضعیش قرار بگیری متوجه میشی»

کد ۱۸ «همیشه مشکل این که کسی بخواد تعرضی کنه تنه ای بزنه این دلهره همیشه میتونم بگم با من هست»

## ۶. بحث و نتیجه گیری

از نظر لوفور، سوجا و هاروی فضا ظرفی تهی نیست بلکه فضا محصول روابطی است که از دل تعامل بین عناصر گوناگون به وجود می آید. به عبارتی فضا محصول کلیه رخدادهای و کنش‌هایی است که در بسترهای متعدد حادث می‌گردد و تحت انقیاد ایدئولوژی حاکم است. در واقع ایدئولوژی سیاسی حاکم کنش‌ها و عاملیت گروه‌های اجتماعی از جمله زنان و فرآیندهای اجتماعی جاری در فضا شکل می‌دهد. فضا توسط سیاست‌های سیاستمداران یا ترفندهای مزرورانه‌ی آنان تسخیر می‌شود و در جهت منویات آن‌ها شکل می‌گیرد و عمل می‌کند. برج‌ها، ساختمان‌ها، نگارخانه‌ها، خیابان‌ها، پیاده‌روها و همه‌ی مراکز عمومی به شکل ناملموسی به وجود می‌آیند و در راستای کارکردهای آنان نقش ایفا می‌کنند.

همان‌طور که لوفور اشاره کرده است آرایش فضا مبتنی بر ایدئولوژی سیاسی است. به عبارتی جریان حاکم از طریق فضا کنش‌های گروه‌های اجتماعی مختلف نظیر جوانان، زنان و غیره را کنترل و صورت‌بندی می‌کند. ایدئولوژی سیاسی در صدد ساخت سوبژه به‌هنجار است. زنان نیز به عنوان بخشی از اعضای جامعه به واسطه کنترل فضا توسط قدرت از کنشگری آزاد در فضای شهری محروم می‌گردند و به سوبژه‌های به‌هنجار مبدل می‌شوند. از سوی دیگر شکل‌بندی صحیح در ساختار نظام شهری مستلزم حاکم شدن حق به شهر است. از نظر لوفور حق به شهر بیانگر حق همگانی برای همه افراد شهر و مستلزم آزادی انسان است. با این حال عدم مناسب بودن زیرساخت‌های فضای شهری و ایدئولوژی‌های فرهنگی مانع از تحقق حق به شهر زنان در شهر تهران گردیده است و این امر موجب بی‌رحم و خشن شدن کالبد و روح شهر شده است.

## کتاب‌نامه

- آب‌نیک‌ی، الهه. (۱۳۹۱). بررسی جامعه‌شناختی استفاده جوانان از فضای عمومی در شهر تهران (مطالعه موردی منطقه شهرک غرب مجتمع تجاری میلاد نور و منطقه شهر ری). کارشناسی ارشد (علوم اجتماعی گرایش مطالعات جوانان). دانشگاه مازندران.
- اباذری، یوسف و صادقی فسایی، سهیلا و حمیدی، نفیسه. (۱۳۸۷). احساس ناامنی در تجربه زنانه از زندگی روزمره. پژوهش زنان، ۶(۱)، ۷۵-۱۰۳.

احمدنیا، شیرین و همکاران. (۱۳۹۴). زنان و زندگی شهری (زنان، سلامت و محیط زیست شهری). تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.  
پارکر، سیمون. (۱۳۹۷). نظریه‌ی شهر و تجربه‌ی شهری. ترجمه حمیدرضا تلخابی و فرخ مهرآئین. تهران: تیسرا.

پورمحمدی، محمدرضا و روستایی، شهریور و خضرنژاد، پخشان. (۱۳۹۸). تحلیل حق به شهر در فضاهای عمومی شهری با تاکید بر رویکرد عدالت جنسیتی. نمونه موردی: شهر ارومیه. زن و جامعه، ۱۰(۴۰)، ۱۹۵-۲۲۲.

ترلیندن، اولا. (۱۳۹۲). شهر و جنسیت گفتمان بین‌المللی درباره‌ی جنسیت، شهرسازی و معماری. ترجمه مینوش صدوقیان‌زاده. تهران: کلاغ.

تقوایی، علی‌اکبر و عزیزی، داوود و یزدانیان، احمد. (۱۳۹۴). بررسی نقش نظریه حق به شهر در تولید و بازتولید فضای شهری. شهرسازی و معماری هفت شهر، ۴(۴۹ و ۵۰)، ۸۸-۹۹.  
جارویس، هلن. کانتور، پاولا و کلارک، جانانان. (۱۳۹۷). شهر و جنسیت. ترجمه محمد شاعرپور. تهران: نشر علمی و فرهنگی

حاتمی‌نژاد، حسین و شورچه، محمود. (۱۳۹۳). شهر و نظریه انتقادی (با تاکید بر آرا و آثار دیوید هاروی). تهران: پرهام نقش.

داداشپور، هاشم و علیزاده، بهرام و رستمی، فرامرز. (۱۳۹۳). گفتمان عدالت فضایی در شهر. تهران: آذرخش.

رهبری، لادن. (۱۳۹۳). جنسیت و شهروندی در تهران: مطالعه‌ی جامعه‌شناختی تفاوت‌های جنسیتی در حق به شهر. دکتری (جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران). دانشگاه مازندران ژیلینیتس، آندژی. (۱۳۹۶). فضا و نظریه اجتماعی. ترجمه آیدین ترکمه. تهران: علمی و فرهنگی.

سیدان، فریبا. (۱۳۹۷). زنان و کیفیت زندگی (با نگاهی به کیفیت زندگی زنان شهر تهران). تهران: تیسرا

شادی طلب، ژاله. (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی زنان. پژوهش زنان، ۳(۷)، ۱۴۱-۱۷۶.

شکرپیگی، عالی، رادین، پرنگ. (۱۳۹۵). بررسی عوامل مرتبط با احساس ناامنی اجتماعی زنان در فضای شهری (با تاکید بر ویژگی‌های کالبدی شهری). مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، ۱۴(۲)، ۸۷-۱۲۶.

فاضلی، محمد. (۱۳۹۱). ارزیابی تأثیرات اجتماعی سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌ها. تهران: تیسرا.

فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳). انسان‌شناسی شهری. تهران: نشر نی.

### طرد زنان در فضای شهری (ریحانه باعزم و دیگران) ۸۳

قادرزاده، امید و خلقی، میترا. (۱۳۹۷). زنان و تجربه طرد اجتماعی (مطالعه کیفی زنان خانه‌دار شهر سنندج). مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، ۱۶(۱)، ۷-۴۲.

قاسمی سیانی، محمد و حقی، مهدی. (۱۳۹۵). تبیین گستره فقر شهری و شناسایی سکونتگاه‌های غیررسمی از منظر عدالت فضایی. مطالعه موردی: نسیم شهر تهران. برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۲۴(۶)، ۲۴۵-۲۵۶.

کاظمی، مهروش؛ حبیب، فرح و اسلامی، غلامرضا. (۱۳۸۸). رویکرد تحلیلی به نیازهای روانی و رفتاری زنان و تاثیر آن در بهبود کیفیت فضا (نمونه مورد مطالعه: فضای عمومی پارک). علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۱۶(۹۳)، ۵۷۰-۵۷۹.

گونواردنا و همکاران (۱۳۹۳). فضا، تفاوت، زندگی روزمره. ترجمه افشین خاکباز و محمد فاضلی. تهران: تیسرا.

محمودیانی، سراج‌الدین. (۱۳۹۸). بررسی وضعیت و تحولات شهرنشینی ایران با تاکید بر دوره‌ی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵. بررسی آمار رسمی ایران، ۲۹(۱)، ۷۹-۹۴.

مداح، هما و روشن‌فکر، پیام. (۱۳۹۴). حق به شهر از اندیشه تا عمل. شهرسازی و معماری هفت شهر، ۴(۴۹ و ۵۰)، ۵۸-۷۳.

هوبارد، فیل. (۱۳۹۶). شهر. ترجمه افشین خاکباز. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

Almahmood and et al. (2017). Mapping the gendered city: investigating the socio-cultural influence on the practice of walking and the meaning of walkscapes among young Saudi adults in Riyadh. *Journal of Urban Design*, 22:229-248.

Erdi, Gulcin. (2019). Women and Resistance in Urban Space. *Alternatif Politika: Özel Sayı*, 99-114.

GÜNEY, Yasemin ince. (2014). Gender and urban space: An examination of a small Anatolian city. *Journal of faculty of architecture*, 11(2):153-172.

Nakhal, Jana. (2015). Women as Space/Women in Space: Relocating our Bodies and Rewriting Gender in Space. *Journal for Body and Gender Research*, 1(1):16-22.

Newcomba, Rachel. (2006). Gendering the city, gendering the nation: contesting urban space in Fes, Morocco. *city and society*: 18, 288-311.

Spain, Daphne. (2014). Gender and Urban Space. *Review of society*, 40(1):581-598